

پزشک مخصوص فرعون

سینو هه

میکا والتاری ترجمه هادی عادل پور

(جلد اول)

والتاری، میکا، ۱۹۷۹-۱۹۰۸ م. Waltari, Mika
سینوهه/ نویسنده میکا والتاری؛ مترجم هادی عادل پور. تهران: سمیر، ۱۳۸۷
ج ۲
شابک دوره: ۶-۰۴-۸۹۴۰-۹۶۴-۹۷۸
شابک ج ۱: ۸-۵۵-۸۹۴۰-۹۶۴-۹۷۸؛ شابک ج ۲: ۶-۳۲-۶۵۵۲-۹۶۴-۹۷۸
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
عنوان اصلی: 1973 Sinuhe the Egyptian: a novel
داستان های فنلاندی -- قرن ۱۰ م، عادل پور، هادی، ۱۳۱۵، مترجم.
PH۳۵۵/۲ س ۹
۱۳۸۷
کتابخانه ملی ایران: ۱۲۳۴۹۹۹



ناشر: سمیر

سینوهه (جلد اول)

میکا والتاری / هادی عادل پور

چاپ یازدهم: ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۵۰

چاپخانه: تاجیک

شابک دوره: ۶-۰۴-۸۹۴۰-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۸-۵۵-۸۹۴۰-۹۶۴-۹۷۸

تهران، خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۱، واحد ۴

تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶ - ۶۶۹۶۰۶۰۳

www.samirpublication.ir

قیمت: ۳۲۵,۰۰۰ تومان

قیمت دوره: ۷۵۰,۰۰۰ تومان

فهرست

۱۹		کتاب اول - قایقی از نی
۷۹		کتاب دوم - خانه حیات
۱۲۳		کتاب سوم - تب تبس
۱۹۱		کتاب چهارم - نفرنفرنفر
۲۳۵		کتاب پنجم - خبریها
۲۷۵		کتاب ششم - روز پادشاه دروغین
۳۴۳		کتاب هفتم - مینا
۳۸۷		کتاب هشتم - خانه تاریک
۴۴۳		کتاب نهم - دُم تمساح
۵۰۷		کتاب دهم - شهر خدایان
۵۶۵		کتاب یازدهم - مریت
۶۵۱		کتاب دوازدهم - ساعت آبی، واحد سنجش زمان
۶۹۷		کتاب سیزدهم - پادشاهی آتون در زمین
۷۵۷		کتاب چهاردهم - نبرد مقدس
۸۳۱		کتاب پانزدهم - هورم هب

زندگینامه میکا والتاری

میکا (تویمی) والتاری، نام مستعار لئو آرنه، کریستین کورپی، نائیکوس لئوراینیو، ام ریتوالا^۱ نویسنده پرکار فنلاندی است که در ادبیات جهان بیشتر به دلیل نوشتن رمان‌های تاریخی شهرت دارد.

میکا والتاری که به سال ۱۹۰۸ متولد شد و در سال ۱۹۲۹ چشم بر دنیا فرو بست، اگرچه در تمام کشورها چهره‌یی شناخته شده دارد، اما عمده شهرت وی به خاطر چند رمان برجسته و به خصوص رمانی در باره مصر قدیم است که در سال ۱۹۴۵ منتشر شد.

التاری که تا کنون آثارش به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا ترجمه و به عنوان یکی از نویسندگان بزرگ فنلاند در قرن بیستم شناخته شده است، با «سرباز ناشناخته» آثار خود را در شمار کتابهایی قرار داد که در قفسه خانه‌های مردم اهل مطالعه فنلاند یافت می‌شد.

زمینه غالب و مورد تأکید والتاری در اغلب آثارش، فرجام ارزشهای انسانی در دنیای مادی است. به خصوص آنکه در سالهای بعد از وقوع جنگ جهانی دوم از

1- Leo Arne , Kristian Korppi, Nauticus Leo Rainio , M. Ritvala

رمانهای تاریخی متعددی که به رشته تحریر درآورد، برای ارائه عقاید دنیای مسیحیت و بیان بدبینی خود استفاده کرد.

میکاوالتاری که در هلسینکی متولد شده، آخرین فرزند «تویمی آرماس والتاری» است که کشیشی از اعضای کلیسای پروتستان بود و به شغل آموزگاری اشتغال داشت. وی، در سال ۱۹۱۴ و هنگامی که فقط پنج سال از عمرش می‌گذشت، پدر خود را از دست داد و مادرش، که آن هنگام به عنوان کارمند خدمات شهری مشغول کار بود، سرپرستی خانواده و تربیت سه فرزند پسر خود را بر عهده گرفت و او، در کنار دو دایی خود، یعنی توویو والتاری که دارای درجه دکترای الهیات بود و جالوسی هتولا که مدرک فوق لیسانس مهندسی داشت رشد و نمو یافت.

یکی از امتیازاتی که والتاری از آن برخوردار شد، فرهیختگی داییهایش بود که از اولین سالهای کودکی وی را به سمت مطالعه و تحقیق در زندگی اجتماعی مردم سوق داد و به ویژه معلومات وسیع جالوسی هتولا در زمینه هنرهای مختلف، باعث پیشرفت وی در حوزه هنر شد و شوقهای دایی دیگرش توویو والتاری، او را به تحصیل در دانشگاه الهیات هلسینکی متمایل ساخت و به رغم تمایل مادرش، به فراگیری فلسفه، اصول زیبایی شناسی و ادبیات همت گماشت و در سال ۱۹۲۹ مدرک فوق لیسانس خود را گرفت و موضوع پایان نامه اش را به ارتباط بین مذهب و میل جنسی اختصاص داد.

والتاری، تابستانها را در خانه کال یوستیالو، که بازرس ریلهای راه آهن بود، می‌گذراند و در طول جنگ داخلی فنلاند، که از سال ۱۹۱۷ شروع شد و تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت در آن مدت هلسینکی تحت اشغال گاردهای سرخ پوش بود و توسط آنها اداره می‌شد، تجربیات خوبی اندوخت و بعدها، در زمان تسخیر هلسینکی رژه ارتش سفید را به چشم دید.

او نوشتن را از سالهای تحصیل در دبیرستان شروع کرد و در آن هنگام مطالبی برای مجله Ylipitastehti می‌نوشت، که توسط یورهوکیکونن ویرایش می‌شد و در مجله مورد اشاره به چاپ می‌رسید.

کارهای اولیه ادبی والتاری را اشعار مذهبی و داستانهای ترسناک تشکیل می داد و اولین کتاب او، یک داستان مذهبی بود که در سال ۱۹۲۵ با عنوان Jumalaa Paossa به چاپ رسید.

در سال ۱۹۲۷، دو سال پس از انتشار اولین کتابش، به پاریس سفر کرد و در دوران اقامت در هتل Suede آن شهر، اولین رمان بلند خود را با عنوان Suuri Illusioini (توهم بزرگ) به رشته تحریر درآورد که در سال ۱۹۲۸ چاپ شد و با آن رمان به عنوان مفسر احساسات نسل جدید، جایی محکم و مقبول بین نویسندگان آن دوره برای خود باز کرد.

والتاری در صفحه اول آن رمان نوشته بود:

«من در حسرت شهر و آسفالتها و بوی ذرات فلز و بنزین بودم، آن اشتیاق هیجان انگیز در همان حال که تاریکی شب، خیابانهای آرام را فرا می گرفت، به سراغم آمد.»

موضوع اصلی رمان توهم بزرگ، حکایت سرکشیها و زندگی کولی وار جوانان در هلسینکی پایتخت فنلاند بود که مورد استقبال فراوان عده زیادی از افراد کتابدوست و کتابخوان قرار گرفت و بلافاصله بعد از انتشار به زبانهای سوئدی، نروژی و استونی ترجمه شد.

Valtatie عنوان کتاب بعدی والتاری بود که در ۱۹۲۸ و کوتاه مدتی بعد از انتشار توهم بزرگ پشت ویرترین کتابفروشیها قرار گرفت و مجموعه یی از اشعاری را تشکیل می داد که به اتفاق آلاوی ژاوولاین سروده بود و خوش بینی او را نسبت به نسلی که جاز را دوست دارد، بیان می کرد.

او را همچنین باید یکی از شخصیتهای اصلی جنبش ادبی و آزادیخواهانه ای به حساب آورد که اعضایش از فوتوریسم روسی و ایتالیایی الهام می گرفتند و در دهه ۳۰ توسط یک گروه متمایل به چپ با نام کیلا (برش) از میدان بدر شد و آن حادثه، زمانی اتفاق افتاد که والتاری شخصیتی بیش از حد محافظه کار پیدا کرده بود و بر مبنای همان روحیه، در سال ۱۹۳۷ کمدی Kuritonsukupolvi را نوشت که در آن نسل

جوان کشورش را به تمسخر گرفت.

به اضافه اینکه در داستان کوتاه «پیوند پاریسی» نیز، بر بحرانی نیمه فعال در شهر هلسینکی تمرکز می کرد.

در دهه های ۳۰ و ۴۰ والتاری به عنوان روزنامه نگار و منتقد ادبی، با چند مجله و روزنامه معتبر همکاری گسترده داشت که از بین آنها می توان به نشریات مهمی همچون Suomen Kuvalehti و Moaseudun Tulevaisuus که هر دو جزو هفته نامه های مصور و پرتیراژ بودند، اشاره کرد که او در فاصله سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ به عنوان دستیار سردبیر در آنها فعالیت داشت.

والتاری بین سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹ به اروپا سفر کرد، و در جریان آن سفر، داستانهایی نوشت که نه تنها در مجلات مختلف به چاپ رسید، بلکه در سال ۱۹۲۹ در قالب کتابی با عنوان Yksinaisen Miehen Juna نیز منتشر شد.

دو سال بعد از انتشار آن کتاب در سال ۱۹۳۱ با مارتیا لوکونن ازدواج کرد و حاصل ازدواجش فرزند دختری بود که نام ساتو Satu بر او گذاشتند که سالها بعد، نویسنده شد.

والتاری در ۱۹۳۴، سه سال بعد از شروع زندگی مشترک با همسرش، رمان مشهور مردم در شب تابستان (F.E.Sillapää) را نوشت که ساختار آن مبتنی بر تصویری تأثیربرانگیز از هلسینکی بود.

دو سال پس از انتشار آن اثر، کتاب Surun Ja Ilon Kaupunki را به رشته تحریر درآورد که یک روز از زندگی شخصیتهای داستان مردم در شب تابستان را مورد نگرش قرار داده بود.

موفقیت هنری عظیم والتاری پیش از جنگها، به پشتوانه رمان غربیه یی که به مزرعه آمد (Mile Vieras s Tuli Tatoon) بود که در رقابتهای ادبی سال ۱۹۳۷ جایزه نخست را از آن خود کرد و به ۱۰ زبان ترجمه شد.

در طول جنگ زمستانی فنلاند که در فاصله سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ اتفاق افتاد و در پی جنگهای سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ والتاری در مرکز اطلاعات دولتی به کار

مشغول بود و در آن مدت، چهار کتاب نوشت، از جمله Neuvostovakoilun که در سال ۱۹۴۲ به چاپ رسید، در زمینه اشغال کشورهای بالتیک و جاسوسی شوروی نوشته شده بود.

این کتاب پس از امضای قرارداد صلح فنلاند با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به دلیل آنکه از لحاظ سیاسی تحریک‌کننده شناخته شده بود، نه تنها تجدید چاپ نشد، بلکه نسخه‌های موجود در کتابخانه‌ها و کتابفروشیها را نیز جمع‌آوری کردند.

رمان Kaarina Maununtytär که در سال ۱۹۴۴ نگارش یافت و کتاب Tanssi Ylihautojen که همان سال، یا سال بعد از آن به چاپ رسید، دو اثر از مجموعه‌ی رمانهای تاریخی او به حساب می‌آید که در باره زمان سلطنت اریک چهاردهم، پادشاه سوئد (بین سالهای ۱۵۳۳ تا ۱۵۷۷) و الکساندر اول تزار روسیه (بین سالهای ۱۷۷۷ تا ۱۸۲۵) نوشته شده است.

والتاری که به عنوان نویسنده‌ی تیزبین و با استعداد شناخته شده، جزو نویسندگانی است که به گواهی نوشته‌هایش، به راحتی از یک زمینه ادبی به زمینه ادبی دیگر تغییر موضع می‌داد و همین امر باعث شده است رمانهای اسرارآمیز، اشعار دلنشین، داستانهای کوتاه و مقالات متعدد، افسانه‌ها، سفرنامه، فیلمنامه، نمایشنامه و خاطره از او بر جای بماند.

به ویژه کم‌دی The Kieku and Kaiku که برای نوشتن آن از Armo Alho کمک گرفته شده بود، در زمان انتشار، خوانندگان متعددی از کودک و بزرگسال پیدا کرد. او بعضی متنهایش را با کمک Armas J. Pulla نوشت.

والتاری، به دلیل کار سخت، خیلی زود دچار بی‌خوابی و افسردگی شد و بارها به دلایل مختلف در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت.

او که قسمت اعظم اوقات فراغت خود را همراه دوستانش در محافل ادبی، تئاتری و هنری می‌گذراند، خیلی زود خود را از مشاغل اداری بازنشسته کرد تا به‌طور تمام وقت به کار نویسندگی بپردازد.

والتاری، در دهه ۳۰ در چند رقابت ادبی شرکت کرد تا کیفیت آثارش را به منتقدان ثابت کند و همان حرکت موجب شد جوایز اول و دوم آن رقابتها را به خود اختصاص دهد. مثلاً رمان اسرارآمیز Kuka Murhasi Rouva Skrofin که در سال ۱۹۳۹ برای رقابت در زمینه داستاننویسی پلیسی، مربوط به کشورهای اسکاندیناوی نگارش یافته بود، بخش زیادی از جوایز فنلاند را از آن خود کرد و والتاری را برانگیخت تا سایر رمانهای خود را در باره قهرمان قدیمی و تندخویی که خود آفریده و نام کارآگاه پالمو بر او گذاشته بود، به نگارش دریاورد.

فیلم «ماتی کاسیلا» که کارآگاه پالمو را به تصویر می کشید، جزو سلسله آثاری از او بود که با کتاب کمیسر پالمو (Komisario Palmu erehdys) که در سال ۱۹۴۰ انتشار یافت، آغاز شد و در سال ۱۹۶۰ به صورت فیلم در آمد. در آن فیلم یون رین (در نقش پالمو)، لئو بوکا (در نقش اتسیوا کوکی)، ماتی رانین (در نقش توبور)، ماتی اراویستو، پنتی سیمس و الینا سالو بازی می کردند.

نمایش آن مجموعه، با فیلمهای Vodkaa و Kertovat, Kaasua Tähdet Komisario Palmu! در سال (۱۹۶۱) و Komisario Plamu در سال ۱۹۶۹ ادامه یافت که البته، متن آنها نوشته والتاری نبود، بلکه کارگردانانی چون «ماتی کاسیلا» و «جورج کورکمن» فیلمنامه آنها را نوشته بودند، تکمیل شد، ادامه یافت.

«وقتی من سینمای اصیل را مورد بررسی قرار می دهم، احساس می کنم تصورات و انسانیت در فیلمهای ایتالیایی، ترس در فیلمهای انگلیسی، شهوت در فیلمهای فرانسوی و آرامش در فیلمهای آمریکایی باید ادغام شوند و از آنجا که زمینه های تاریخی همیشه موجب جذب من می شوند، به فهرست آنها مونتاژ ماهرانه فیلمهای تاریخی روسی را هم اضافه کردم»^۱.

پیش از جنگ جهانی دوم، والتاری با موضوعات تاریخی، از جمله نمایش اختاتون

۱. میکا والتاری - برگرفته از سایه های در حرکت، ساخته پیترون بک، ۱۹۹۹.

(Akhnaton) که در سال ۱۹۳۸ در تئاتر ملی هلسنکی روی صحنه رفت، خود را به علاقه‌مندان تئاتر نیز شناساند.

همچنین در همان زمان، کتاب مصری (The Egyptian) را نیز در مورد همان دوران تاریخی نوشت که داستان آن در مورد فرعون به عنوان پیامبری بود که جایگزین کشیشی فاسد شده است.

شخصیت اخناتون و دنیای قدیمی، عرصه وسیعی برای والتاری به وجود آورد که بتواند دوران جنگ و روابط پس از جنگ جامعه اروپایی را به راحتی در کارهایش منعکس کند.

در اواسط دهه ۴۰ والتاری روی رمانهای تاریخی بلند تمرکز کرد و مشغول سیر و سیاحت در دنیای مدیترانه‌یی کلاسیک شد و بر آن اساس در سال ۱۹۵۵ رمان The Etruscan و در سال ۱۹۶۴ رمان Rumis Kuotematon را بر اساس رویدادهای رم باستان و رمان (The Roman) و (۱۹۶۴) Ihmiskunnan Viholliset نوشت. در میان رمانهای او که در امپراتوری بیزانس به رشته تحریر درآمد و از دیگر آثار او در این زمینه می‌توان به فرشته سیاه The Dark Angel (۱۹۵۲) و Johannes Angelos داستانی عشقی که در یک شهر ویران شده به وقوع می‌پیوندد و همچنین کتاب Nuori Johannes که در سال ۱۹۸۱ و پس از مرگ نویسنده منتشر شد، اشاره کرد. او در این باره می‌گفت:

«من همچنان برای نوشتن بیدار می‌ماندم و گهگاه چشمانم را می‌بستم و پیشانی داغم را روی دستم می‌گذاختم تا استراحتی بکنم. اما حالا دیگر خواب هم دلش برابم به رحم نمی‌آید. من از میان پلکهایم که از خستگی انگار شن داخل آنها شده، زیبایی او و دهان و چشمانش را می‌توانم ببینم و اینکه چطور گونه‌هایش در تماس با دست من داغ می‌شد و وقتی به کمرش ضربه می‌زدم، چطور آتش تمام وجودم را فرا می‌گرفت. هرگز فکر نمی‌کردم وقتی او را از دست بدهم، تا این اندازه دیوانه‌وار آرزوی دیدارش را داشته باشم.»^۱

۱. برگرفته از کتاب فرشته سیاه.

فرشته سیاه به شکل یک دفترچه خاطرات به نگارش درآمده که موضوع آن در مورد بهار سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه است. یعنی زمانی که ترکهای عثمانی شهر را به محاصره در آوردند و در جریان آن آخرین شهر کلیسایی یونان و پایتخت امپراتوری بیزانس خیلی سریع توسط ترکها تسخیر و در قرون بعد به عنوان پایتخت آنها در نظر گرفته شد. در طول وقوع این تغییرات در عرصه تاریخی، والتاری یک داستان عاشقانه نیز نوشت. در آن داستان، «یوهان آنجلس»، مردی که به سرزمینهای دور سفر می کرد و چیزهای زیادی می دانست، عاشق «آنانتاراس» شد که به منظور دفاع از شهر با خود شمشیر حمل می کرد. یوهان می دانست که باید شاهد متلاشی شدن تمدن هم باشد. او به دست سلطان کشته شد، چون می گفت که به قانون خود پایبند است. یوهان پی می برد که او حقیقت را می گوید. چون او واقعیت را آن گونه که برای انسان مرئی باشد، انتخاب می کند و به استقبال مرگ مادی می رود تا وجود خدایان را انکار کند.

او گفته است:

«در مورد اعتقاد به این موضوع، می توانید گذشته را مثل یک خسارت قدیمی از بین ببرید و همان طور که استانداردهای همه چیز سنجیده می شود و بالا می رود، می توانید خود را بالا ببرید. می توانید زنجیرها را از یاد ببرید. همان طور که همه افرادی که پیش از شما می زیستند، چنین کاری می کردند.»

در سالهای نخست شروع نویسندگی والتاری، ناشران حاضر به چاپ برخی از رمانهای کوتاه او نشدند. چون آنها را شرم آور و وقیح می دانستند و خود ناچار شد آنها را به چاپ برساند.

اما همین نویسنده از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۸ یکی از اعضای دائمی و اصلی آکادمی فنلاند بود. چون در آثاری که آن سالها نوشت نظیر Feliks Onnellinen (۱۹۵۸)، Valtakunnan Salaisuus (۱۹۵۹) و The Roman از زمینه های مذهبی استفاده کرده بود. والتاری روز بیست و ششم اوت ۱۹۷۹ در هلسینکی دیده از جهان فرو بست و این، در حالی است که او چه در سالهای حیات و چه در سالهای پس از مرگ، همیشه

دارای شهرت بود و کتابهایش، نه تنها هیچ‌گاه از فهرست کتابهای پرفروش حذف نشد، بلکه همواره موضوع و سوژه تحقیقات دانشگاهی بوده است. این کتاب که یکی از آثار معروف والتاری به‌شمار می‌آید، بر اساس یادداشتهای سینوهه، پزشکی که سی و پنج سده پیش می‌زیسته و طبیب عده‌یی از فراعنه مصر بوده نگارش یافته و اگرچه دلایل متعددی باعث شهرت آن شده، اما عمده ویژگی کتاب آن است که نویسنده اصلی، اطلاعاتی در مورد تاریخ باستانی برخی کشورها ارائه کرده که هیچ نویسنده دیگری، پیش و پس از وی، چنان کاری انجام نداده است.

هادی عادلپور